

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پروفسور دکتر ورنر رووف
ترجمه و تلخیص از الف. میم.
فرستنده: عثمان حیدری
۰۵ جون ۲۰۱۸

چرا بایستی قذافی کشته می شد؟ نقش فرانسه در جنگ علیه لیبیا



Foto: Sarkozy und Gaddafi im Jahr 2007. Bild: dapd



نیکلاس سارکوزی در ماه دسمبر ۲۰۰۷ با بوق و کرنا مهماندار معمر القذافی در پاریس بود: منطقه بزرگی از خیابان شانزه لیزه از جمعیت خالی شد تا قذافی و همراهانش در قلب پاریس در چادرهای سنتی صحرا نشینان لیبیائی اقامت کنند. رسانه های فرانسوی پر از مطالبی با مضمون رفاقت غیر قابل تصور مردانه رهبران فرانسه و لیبیا بود، این «دوستی» با بازدید سارکوزی از تریپولی مستحکمتر شده و لبریز از «رفاقت قلبی» دو سیاستمدار شد. چهار سال بعد سیاست افراطی فرانسه این کشور را به پیشگام جنگ افروزی لیبیا و سرنگونی رهبر این کشور تبدیل کرد، در ۱۶ فبروری ۲۰۱۱ شورش بنغازی آغاز شد.

سارکوزی ۱۰ مارچ همان سال در پاریس میزبان «دولت انتقال ملی» لیبیا بود که در بنغازی سرهم بندی شده بود، رئیس جمهور فرانسه این نمایندگان را «تنها نماینده مردم لیبیا» نامید، هیأتی که نیمی از اعضایش را کسی نمی شناخت که هیچ اصلا معلوم نبود آنها نماینده چه کسی هستند و از کجا سرو کله شان پیدا شده است.

در همین فاصله زمانی فرانسه تلاش کرد از سوی اتحادیه اروپا مجوز ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در لیبیا را دریافت کند، مجوزی که ۲۷ عضو دیگر این اتحادیه با آن مخالفت کردند. موازی با این فعالیتها سارکوزی از ناتو درخواست مداخله نظامی کرد، ناتو اما به بهانه نداشتن مجوز قطعنامه شورای امنیت ملل متحد و تشکل منطقه ئی اتحادیه عرب از همکاری با فرانسه سرباز زد، بلافاصله پس از پاسخ منفی ناتو اتحادیه عرب که در این میان از سوی

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس کنترل می شد با تصویب قطعنامه ای با این خواسته فرانسه موافقت کرد تا دست فرانسه را برای نابودی لیبیا باز بگذارد. شورای امنیت ملل متحد هم در ۱۷ مارچ با پذیرش قطعنامه ۱۹۷۳ اجازه ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در آسمان لیبیا را صادر کرد. بلا فاصله پس از تصویب این قطعنامه فرانسه و بریتانیا با جنگنده های نیروی هوایی خود به پایگاههای نظامی لیبیا حمله کرده و این کشور را هدف شدیدترین بمبارانهای خود قرار دادند. معمر القذافی در ۲۰ اکتوبر دستگیر و سپس در مقابل دوربین های رسانه های دمکرات غربی توسط مزدوران آنها زجر کش شد.

قطعاً بسیار ساده لوحانه خواهد بود اگر قبول کنیم که سارکوزی با کشتن و سرنگونی قذافی فقط به دنبال پاک کردن رد پای فساد خود و رشوه ۵۰ میلیون دالری بوده است که به خاطر انتخابات از رهبر لیبیا دریافت کرده بود. نباید از قلم انداخت که لیبیا به طور سنتی از خریداران مهم سلاحها و تجهیزات فرانسوی بود، در فاصله سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ کشور های اتحادیه اروپا نزدیک به یک میلیارد یورو اسلحه به لیبیا فروختند، در رأس آنها ایتالیا با ۲۸۹ میلیون یورو، لیبیا از فرانسه ۱۱۰ جنگنده میراث خریده بود و پاریس با ۲۱۰ میلیون یورو پس از ایتالیا در مقام دوم قرار داشت، پس از فرانسه بریتانیا با ۱۱۹ و آلمان با ۸۳ میلیون یورو قرار گرفته بودند. دسترسی به آمار سالهای قبل ممکن نیست چرا که لیبیا در فاصله ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴ به دلیل تحریم شورای امنیت ملل متحد اجازه خرید سلاح را نداشت.



Foto: fullscreen Then-secretary of state Clinton in Tripoli, Libya, October 18, 2011. (Kevin (Lamarque/AFP/Getty

روای افریقائی قذافی

قذافی از ابتدای به قدرت رسیدنش همواره به دنبال سیاست ایجاد اتحاد بود، سیاستی که نتیجه اش باید منجر به افزایش نفوذ قدرت مستعمرات سابق و در رأس آنها طبعاً لیبیا در سیاستهای جهانی بود، بعد از تلاشهای فراوان برای ایجاد اتحادهایی با کشورهای مختلف عربی مانند مصر و سوریه و عدم موفقیت در آنها، قذافی در چند سال گذشته تمرکز خود را بر کشورهای قاره افریقا نهاد، او به همین منظور اتحادیه افریقا را به پلاتفرم اصلی سیاستهایش تبدیل کرد. قذافی پیگیرانه منابع مالی و طبیعی کشور کم جمعیتش را برای مبارزه با فقر «برادران» افریقائیش اختصاص می داد.

یکی از پروژه های مشخص قذافی ایجاد یک رسانه مستقل خبری افریقائی بنام AfSat بود، که قرار بود با همکاری انستیتوی افریقائی برای ارتباط ماهواره ئی و با بودجه ۴۰۰ میلیون دالری لیبیا راه اندازی شود. تا راه اندازی این ماهواره می بایستی کشورهای افریقائی سالانه ۵۰۰ میلیون دالر برای استفاده از یک ماهواره اروپائی هزینه کنند. بزرگترین و مهمترین پروژه قذافی اما ایجاد یک اتحادیه پولی افریقائی بود که قرار بود از سال ۲۰۱۱ با کمک چهار انستیتو مالی افریقائی عملی گردد:

تأسیس یک بانک سرمایه گذاری افریقائی که مرکزش در شهر سیرته لیبیا باشد (برای مقابله با بانک جهانی - م)، ایجاد صندوق افریقائی پول (برای مقابله با صندوق بین المللی پول- م) در یائونده کامرون با ۴۲ میلیارد دالر سپرده و ایجاد یک بانک مرکزی افریقائی در ابوجای نیجریه با هدف واحد پولی مشترک افریقائی (مانند یورو در اروپا- م) ، سرمایه اولیه برای این پروژه ها را که بالغ بر ۳۰ میلیارد دالر بود لیبیا در نظر داشت از طریق سرمایه بانک مرکزی اش که توسط دولت او باما مصادره شده بود تأمین کند. در واقع ضمانت مالی این اهداف بلند پروازانه ۱۴۴ تن طلای خالص به ارزش ۶ میلیارد یورو و تقریباً همین مقدار نقره بود که قذافی در لیبیا ذخیره کرده بود، همانطور که بی بی سی در سال ۲۰۱۱ بر اساس آمار IMF منتشر کرد.

پروفسور هوف در نشریه «ژورنال سیاست خارجی» به بررسی این نکته می پردازد که چرا غرب و به خصوص هیلری کلینتن با اصرار دیوانه وار خواستار سرنگونی رهبر لیبیا بودند. تا شب قبل از تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت ملل متحد، دولت امریکا و به خصوص وزیر جنگ وقت امریکا رابرت گیتس مخالف دخالت نظامی در لیبیا بودند. اما هیلری کلینتن و نماینده امریکا در ملل متحد سوزان رایس موفق شدند نظر او باما را در اینمورد تغییر دهند. بر اساس تحقیق و بررسی ایمیل های افشاء شده معلوم شده است که وزارت خارجه امریکا (آنزمان هیلری کلینتن-م) کاملاً آگاه بوده است که شورشی های لیبیا دست به جنایات جنگی زده اند، علی رغم این امریکائیا مستشاران نظامیشان را برای آموزش آنها ارسال کرده و ترتیبات پیوستن نیروهای القاعده به آنها را فراهم آوردند. امریکائی ها شایعات مبنی بر استفاده قذافی از قرص ویاکرا و تجاوز دسته جمعی را هم ساخته و پخش کرده اند. از ایمیلها بر می آید که امریکا نگران ذخیره طلا و نقره قذافی هم بودند!!.

ایمیلها نشان می دهند هیلری کلینتن از شکنجه و نسل کشی ده ها هزار کارگر مهاجر افریقائی سیاهپوست در لیبیا توسط شورشیان کاملاً مطلع بوده است. همچنین در این اسناد از انگیزه فرانسه در این جنگ هم سخن به میان آمده است: قذافی قصد داشته با اختصاص ذخایر طلای کشورش به عنوان پشتوانه واحدپولی مشترک پان افریقائی بر پایه دینار طلائی لیبیا به نفوذ سلطه مالی واحد پولی سابق فرانک فرانسه افریقائی CFA که همچنان در کشورهای افریقائی رایج است پایان دهد و برای کشورهای مستعمره سابق فرانسه بدیل مالی جدی برای خروج از شبکه مالی فرانسه به وجود آورد. با سرنگونی رهبر لیبیا توسط فرانسه و ناتو ذخیره عظیم طلا و نقره این کشور هم ناگهان بی هیچ رد و نشانه ای ناپدید شد (ارزش طلا و نقره ذخیره شده لیبیا که احتمالاً توسط غربی ها دزدیده و تقسیم شده معادل ۶.۲ میلیارد یورو تخمین زده می شود - م).

فرانک فرانسه افریقائی CFA که در کشورهای مستعمره سابق فرانسه همچنان واحد پولی محسوب می شود محصول کنفرانس «برتون وودز» در سال ۱۹۴۴ است، که در آن واحد پولی جهانی مورد تجدید نظر قرار گرفت. فرانسه موفق شد با ایجاد یک منطقه پولی فرانسوی به نام Communauté Financière d'Afrique (CFA) مستعمرات سابق افریقائی خود را به لحاظ مالی و ارزی از این طریق بشدت بخود وابسته کند.

ضمانت و کنترل CFA بر عهده بانک مرکزی فرانسه می باشد که ۸۵ درصد منابع مالی و ذخایر رزرو طلا و ارزی
افریقای فرانسوی زبان در آن قرار دارد.

با به وجود آمدن منطقه ارزی واحد پولی مشترک اروپا یعنی یورو، در منطقه افریقائی فرانک هیچ تغییری ایجاد نشد و
به حیات خود ادامه داد. فرانسه فقط متعهد شد هرگونه تحول و تغییری در سیستم CFA را به اطلاع اتحادیه اروپا!!
برساند.

ظاهراً دو سیستم Franc CFA در افریقا وجود دارد، یک Franc BCEAO که شامل کشورهای مستعمره سابق غرب
افریقا می شود مانند بنین، بورکینا فاسو، ساحل عاج، گینه بیسائو، مالی، نیجر، سنگال و توگو و Franc BEAC که
شامل کشورهای مستعمره سابق فرانسه در مرکز افریقا است مانند گینه استوایی، گابن، کامرون، جمهوری کنگو، چاد،
جمهوری افریقائی مرکزی. این سیستمهای متفاوت اما در اصل مسأله که تسلط اقتصادی و پولی فرانسه است تأثیری
ندارد و در حقیقت این سیستم موجب دسترسی و سلطه فرانسه بدون کمترین محدودیتی بر بازارهای افریقا، غارت منابع
طبیعی مهم آنها مانند نفت، طلا، اورانیوم و الماس در این کشورها می شود.

آزادی گردش سرمایه هم موجب بازگشت سودهای کلان از این معاملات غارتگرانه به فرانسه می شود و دروازه را به
روی رشوه خواری و فساد می گشاید.

حاکمیت CFA مهمترین دلیل موجودیت سیستم موسوم به «فرانس افریک» است که در غارت افریقا نقش اساسی و
مهمی دارد و سیستم «فرانس افریک» حامی فساد و جنایات شرکت های فرانسوی در این کشورهاست. تمامی این
سیاست های غارتگرانه و تسلط جویانه استعماری بدون پشتیبانی ارتش متجاوز فرانسه که در جیبوتی، ساحل عاج، گابن
کامرون، سنگال، توگو، چاد و جمهوری افریقائی مرکزی پایگاه های نظامی دارد ممکن نیست. قرار دادهائی که اجازه
چنین جنایاتی را می دهند به دوران استعمارگری فرانسه در سالهای ۶۰ بازمی گردد که محتوا و متن این توافق نامه ها
تا امروز مخفی نگاه داشته می شوند.

کارنامه جنایات و دخالت های نظامی فرانسه شاهی بر اهمیت حضور نظامی فرانسه در این قاره است، فرانسه در ۵۰
سال گذشته ۵۰ بار دست به دخالت های نظامی در این کشورها زده است یعنی سالی یکبار!



Foto: PHILIPPE WOJAZER/AFP/Getty Images

پایان قذافی

